

حدیث مَدینَةُ العِلْمِ

گزارشی مختصر و روان از کتاب عبقات الانوار
علامه میرحامد حسین

سمیه خلیلی آشتیانی



انتشارات نَبأ

سرشناسه: کنتوری، میرحامد حسین ۱۳۴۶ - ۱۳۰۶ ق.
عنوان فرار دادی، عبقات الانوار فی امامة الائمة الاطهار، فارسی. برگزیده
عنوان و پدیدآور: حدیث «مدینه العلم»: گزارشی مختصر و روان از کتاب عبقات
الانوار / [علامه میرحامد حسین] / سمیه خلیلی آشتیانی.
مشخصات نشر: تهران: مؤسسه فرهنگی نیا، ۱۳۹۷.
مشخصات ظاهری: ۵۶ ص.
شابک: ۲ - ۰۹۳ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸
وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا
یادداشت: این کتاب برگزیده کتاب «عبقات الانوار» تألیف میرحامد حسین
هندی بوده که خود نیز رده‌ای بر کتاب «تحفه اثنی عشریه» تألیف عبدالعزیز
دهلوی است.
موضوع: علی بن ابی طالب علیه السلام، امام اول، ۲۳ قبل از هجرت - ۴۰ ق. انبیا
خلافت، احادیث خاص (باب مدینه العلم)، امامت.
شناسه افزوده: خلیلی آشتیانی، سمیه، ۱۳۶۰
رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۷ ۴۲۱۳ ۲۰۴۲۱۳ ع ۹ ک / BP ۲۲۳
رده‌بندی دیویی: ۲۹۷ / ۴۵
شماره کتابخانه ملی: ۵۴۰۱۶۹۳



انتشارات نیا

حدیث «مدینه العلم»

گزارشی مختصر و روان از کتاب عبقات الانوار علامه میرحامد حسین

نگارنده: سمیه خلیلی آشتیانی

حروفچینی: انتشارات نیا / صفحه‌آرایی: مشکاة

چاپ و صحافی: دالاهو، صالحانی

چاپ اول: ۱۳۹۷ / شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه / قیمت: ۴۰۰۰۰ ریال

ناشر: انتشارات نیا / تهران، خیابان شریعتی، بعد از خیابان

بهار شیراز، کوچه مقدم، نبش خیابان ادیبی، شماره ۲۶

صندوق پستی: ۳۷۷ / ۱۵۶۵۵

تلفن: ۷۷۵۰۶۶۰۲ / فاکس: ۷۷۵۳۵۷۷۶

شابک: ۲ - ۰۹۳ - ۲۶۴ - ۶۰۰ - ۹۷۸

ISBN 978 - 600 - 264 - 093 - 2

۱۱۱۱۱۱۱۱

فهرست مطالب

مقدمه	۹
حدیث «أنا مدينة العلم» در منابع شیعه	۱۲
حدیث «باب مدينة العلم» در منابع اهل سنت	۱۴
صحت حدیث	۱۵
بخش ۱: اسناد حدیث	۱۷
الف - صحابه	۱۷
ب - تابعان	۱۸
ج - حافظان و محدثان	۱۹
بخش ۲: متن حدیث	۲۳
نقل اول	۲۳
۱. روایت حضرت امام رضا <small>علیه السلام</small>	۲۴
روایت عبدالرزاق	۲۵
روایت احمد بن حنبل	۲۵
روایت أصم	۲۵

- ۲۶ روایت ابوبکر بن جَعابی
- ۲۶ روایت طبرانی
- ۲۶ روایت خطیب بغدادی
- ۲۷ روایت گنجی شافعی
- ۲۷ نقل دوم
- ۲۸ روایت حضرت امام رضا علیه السلام
- ۲۸ روایت ابن شاذان سکری حربی
- ۲۸ نقل سوم
- ۲۹ روایت ابن سقا
- ۲۹ روایت خطیب بغدادی
- ۲۹ روایت ابن مغازلی
- ۳۰ روایت ابن عساکر
- ۳۰ روایت گنجی شافعی
- ۳۱ نقل چهارم
- ۳۱ روایت ابواللیث
- ۳۲ روایت خوارزمی
- ۳۵ بخش ۳: شواهد و مؤیدات حدیث «مدینة العلم»
- ۳۵ «أنا دارُالحکمة و علی بابُها»
- ۳۶ روایت احمد بن حنبل
- ۳۶ روایت ترمذی
- ۳۶ «أنا مدینةُ الحکمة و علی بابها»
- ۳۷ روایت خطیب بغدادی

روایت سیوطی	۳۷
«أنا دارُالعلمِ و علی بائِها»	۳۷
روایت محبّ طبری	۳۷
روایت قاری	۳۸
«فَهُوَ بابُ مدینةِ علمی» یا «فَهُوَ بابُ علمی»	۳۸
روایت ابن مغازلی	۳۸
«علی مِنّی و أنا مِن علی، فَهُوَ بابُ علمی و وصیّی»	۳۹
روایت قندوزی	۳۹
«علی بابُ علمی و مبینُ لآمتی ما أرسلت به»	۳۹
روایت سیوطی	۴۰
روایت متقی هندی	۴۰
«و أنتَ بابُ علمی»	۴۰
روایت خوارزمی	۴۱
«و هم أبوابُ العلمِ فی أمتی»	۴۱
روایت قندوزی	۴۲
بخش ۴: دلالت حدیث «أنا مدینة العلم و علی بائِها»	۴۵
دلالت بر اعلمیت	۴۵
دلالت بر اینکه امام واسطه دانش‌هاست.	۴۶
دلالت حدیث بر اینکه امام نگهبان دانش است.	۴۷
دلالت حدیث بر وجوب مراجعه به امیرالمؤمنین <small>علیه السلام</small>	۴۸
دلالت حدیث بر خاتم الاولیاء بودن حضرت علی <small>علیه السلام</small>	۴۹
منابع	۵۱

مقدمه

خداوند متعال جهان را بر مبنای دانش آفرید، و دانش را
علت کلی برای آفرینش خود قرار داد. سپس فرمود:

﴿اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ
يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ
قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا﴾^۱

علم، نخستین نعمتی است که خداوند پس از آفرینش انسان
به او عطا نمود و در نخستین آیاتی که بر پیامبرش فر فرستاد،
فرمود:

﴿اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ * خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ
عَلَقٍ * اِقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ * الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ *

۱. طلاق، ۱۲.

عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ^۱

تمام دانش‌ها و حکمت‌ها، اخبار و اطلاعات و گفته‌های پیشینیان و کتاب‌های فرو فرستاده شده الهی، تنها با نوشتن ثبت و نگهداری شده است. اگر نوشتن نبود، کارهای دین و دنیا استوار نمی‌شد و بر حکمت دقیق خدا و تدبیر لطیف او دلیلی جز امر قلم و خط، نیاز نیست. پس کمال انسان تنها به دانش است ... و آنان را که نمی‌دانند، فرمان می‌دهد که به عالمان رجوع کنند و از ایشان بی‌رسند؛ آنجا که می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْئَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ﴾^۲

پرسیدن، پیروی و فرمان برداری را به دنبال دارد. اما فرمان‌بری مطلق، جز از دانشمندان معصوم سزاوار نیست. عالمی که چنین باشد، دارای ولایت کبری است، چنان‌که خداوند متعال فرمود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَ أَطِيعُوا الرَّسُولَ وَ أُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾^۳

خداوند متعال حضرت محمد ﷺ را برای پیامبری

۱. علق، ۵ - ۱.

۲. انبیاء، ۷.

۳. نساء، ۵۹.

برگزید، او را با رسالت الهی فرستاد، کتاب آسمانی (قرآن) و حکمت را بر او فرو فرستاد و آنچه را که نمی دانست - از تورات، انجیل و ... - به او آموخت. پیامبر اسلام نیز در راهنمایی و آموزش مردم تمام توان خود را به کار بست و با شکیبایی آن را به انجام رساند... و کارهایی باقی ماند که بر عهده اطرافیان و مؤمنان پس از خود نهاد و در اینجا مقصود اصحاب خاص است. در سالهای نبوتش همگان از دامان علمش خوشه چیدند، اما آموزش و بهره گیری از هر استادی، افزون بر ایمان و باور داشتنش، نیازمند همراهی کامل، پیوستگی شدید، دل خردمند و گوش شنواست و هرچه درجه و مرتبه استاد بالاتر و والاتر و مطالب درس دقیق تر و ژرف تر باشد، بهره مندی شاگرد از این ویژگی ها ضرورت بیشتری دارد. تمام این خصائص به صورت کامل در امیر المؤمنین علی علیه السلام خلاصه می شود.

علی بن ابی طالب علیه السلام کسی بود که تمام مسلمانان جایگاه او را نسبت به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می دانستند؛ هنگامی که از پیامبر درخواست می کرد، به او تعلیم می فرمود و اگر سکوت اختیار می کرد، خود آغازگر سخن با او می شد و او «آن گوش شنوا و بیدار» بود.^۱ او خود در توصیف میزان علمی که از پیامبر آموخت، این چنین فرمود: «علم غیبی که کسی جز خداوند آن را نمی داند و به غیر از آن، دانشی است که خداوند به پیامبرش

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۱۰.

آموخت، ایشان آن را به من آموخت و برایم دعا کرد که سینه‌ام آن را بپذیرد. ۲۹۱

روایات بسیاری از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، جایگاه علمی امام علی بن ابی طالب عَلِيٍّ را تبیین کرده‌اند و صحابه بسیاری دانش او را ستوده‌اند. و از محکم‌ترین و شفاف‌ترین احادیث برای نمایاندن برتری علم امیرالمؤمنین عَلِيٍّ نسبت به تمام اصحاب، حدیث «أنا مدينة العلم و علی بابها» است. این حدیث، از ادله متکلمان شیعه برای اثبات مرجعیت دینی امام علی عَلِيٍّ پس از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است.

حدیث «مدینه العلم» با تعابیر مختلفی از روایان نقل شده است، از جمله: «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن أراد العلم فليأت الباب»،^۳ «أنا مدينة العلم و علی بابها فمن أراد العلم فليأته من بابها».^۴

حدیث «أنا مدينة العلم» در منابع شیعه

این حدیث از پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، توسط ائمه عَلِيٍّ همچون امام علی، امام حسن مجتبی، امام حسین، امام سجاد، امام باقر و

۱. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۶.

۲. با تلخیص و اقتباس از مقدمه تلخیص عیقات الانوار، جلد حدیث مدینه العلم، به قلم آیت الله سید علی حسینی میلانی.

۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶.

۴. ابن عبد البر، الاستیعاب، ج ۳، ص ۱۱۰۲.

امام رضا علیه السلام^۱، روایت شده است. اصحاب ائمه علیهم السلام و پس از ایشان نیز بسیاری از محدثان متقدم و متأخر شیعه با الفاظ مختلف، در کتب خود آن را روایت کرده‌اند، از جمله خزّاز قمی در کفایة الأثر^۲، ابن شعبه حرّانی در تحف العقول^۳، شیخ صدوق در کتاب التوحید و امالی خود^۴، شیخ مفید در کتاب الاختصاص و الارشاد^۵، شیخ طوسی در کتاب الأمالی^۶، فضل بن حسن طبرسی در اعلام الوری بأعلام الهدی^۷، احمد بن علی طبرسی در کتاب الاحتجاج^۸، ابن بطریق در عمد^۹، علامه حلی در نهج الحق و کشف الصدق^{۱۰}، شیخ حرّ عاملی در اثبات الهدایة^{۱۱} و علامه مجلسی در بحار الانوار^{۱۲}.

۱. امام رضا علیه السلام، صحیفة الرضا، صص ۵۸، ۱۰۰، ۱۰۴.
۲. خزّاز قمی، کفایة الأثر، ص ۱۸۴.
۳. حرّانی، تحف العقول، ص ۴۳۰.
۴. شیخ صدوق، التوحید، ص ۳۰۷؛ همو، الامالی، ص ۳۴۵.
۵. شیخ مفید، الاختصاص، ص ۲۳۸؛ همو، الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد، ج ۱، ص ۳۳.
۶. شیخ طوسی، الأمالی، ص ۵۵۹.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، اعلام الوری بأعلام الهدی، ج ۱، ص ۳۱۷ و ج ۲، ص ۳۴۰.
۸. طبرسی، احمد بن علی، الاحتجاج، ج ۱، ص ۷۸.
۹. ابن بطریق، عمدة عیون صحاح الاخبار، ص ۲۸۵.
۱۰. علامه حلی، نهج الحق و کشف الصدق، ص ۲۲۱.
۱۱. شیخ حرّ عاملی، اثبات الهدایة، ج ۱، ص ۸۳، ج ۲، ص ۷۳.
۱۲. مجلسی، بحار الانوار، ج ۱۰، ص ۱۲۰، ۱۴۵، ۴۴۵.

این حدیث را دیگر راویان و دانشمندان شیعه^۱ نیز روایت کرده‌اند که در اینجا بنا به اختصار، نام برخی از ایشان ذکر شده است.

حدیث «باب مدینه العلم» در منابع اهل سنت

شش تن از صحابه پیامبر اکرم و بیش از ده تن از تابعان در شمار راویان این حدیث شریف به شمار می‌آیند. این حدیث از روایات پرتکرار در میان روایات بیان‌کننده فضائل امیر المؤمنین علیه السلام در میان اهل سنت به شمار می‌آید. بیش از صد و پنجاه نفر از راویان و محدثان اهل سنت آن را روایت کرده‌اند، از جمله: عبدالرزاق صنعانی، احمد بن حنبل، ترمذی، طبری، طبرانی، حاکم نیشابوری، ابونعیم اصفهانی، خطیب بغدادی، ابن مغازلی، ابن عساکر.^۲

علامه میرحامد حسین، از روایاتی که مضمون مشابه دارند، به عنوان مؤید برای این روایت استفاده کرده است که شمار آن به بیست و دو روایت می‌رسد و هر کدام از آن روایات را، راویان متعدد از اهل سنت، نقل کرده‌اند. چند نمونه از این روایات در بخش سوم این کتاب آمده است.

۱. بنگرید: ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی طالب، ج ۱، ص ۲، ج ۲، ص ۳۴؛ اربلی، کشف الغمّة، ج ۱، ص ۱۱۳؛ شامی، الدرّ النظیم، ص ۲۸۵ و ۳۰۶ و مصادر دیگر.
۲. از این افراد در متن کتاب روایت شده است.

صَحَّتْ حَدِيث

با توجه به آنچه درباره نقل این روایت در منابع شیعه گذشت، حدیث «مدینه العلم» نزد شیعیان نزدیک به تواتر یا از احادیث مستفیض است. دانشمندان اهل سنت نیز درباره صحّت و اعتبار حدیث سخن گفته‌اند. سیوطی در کتاب اللّٰثالی المصنوعة فی الأحادیث الموضوعه، با بیان سندهای مختلفی از این روایت گزارش کرده است که این روایت نزد بزرگان اهل سنت همچون محمد بن جریر طبری، حاکم نیشابوری، خطیب بغدادی و قاسم بن عبدالرحمن الأنباری، در شمار احادیث صحیح و حسن است.^۱ او همچنین با اذعان به حسن بودن سند روایت، گفته دارقطنی - مبنی بر مردود بودن تمام اسناد این روایت - را رد کرده است.^۲ ابن حجر عسقلانی نیز معتقد است که این حدیث سندهای متعددی دارد و از این رو نباید آن را ضعیف بدانیم.^۳ کتاب الغدیر، نام بیست و یک تن از محدّثان اهل سنت را که این حدیث را حسن یا صحیح می‌دانند، ثبت کرده است.^۴

آنچه در بخش متن روایت خواهد آمد، با توجه به موضوع و حادثه‌ای که سبب صدور حدیث شده است یا اختلاف در نقل

۱. سیوطی، اللّٰثالی المصنوعة، ج ۱، ص ۳۰۲ - ۳۰۷

۲. همان، ج ۱، ص ۳۰۳ - ۳۰۴.

۳. ابن حجر عسقلانی، لسان المیزان، ج ۲، ص ۱۵۵.

۴. امینی، الغدیر، ج ۶، ص ۷۸ - ۷۹.

آن، به چهار دسته تقسیم شده است. علامه میرحامد حسین از تمام صد و پنجاه و یک نفر راوی این حدیث از اهل سنت، نقل روایت داشته است. روایت‌گریِ راویان متأخر، تکرار نقل راویان متقدم بود. این مسئله سبب اطالۀ کلام می‌شد و با رویکرد این مجموعه که اختصار در مطالب کتاب عبقات الانوار است، سازگار نبود؛ از این رو به نقل راویان متقدم و مشهور اکتفا شده است.

امیدوارم این جلد از مجموعه مختصر کتاب عبقات الانوار - که برگرفته از جلد حدیث «أنا مدینه العلم» به تلخیص و تعریب آیت الله سید علی حسینی میلانی و ترجمه آقای محمد باقر محبوب القلوب است و از سوی انتشارات نبأ به زیور طبع درآمده است - برای مخاطبان علاقه‌مند به مباحث اعتقادی، به ویژه مبحث امامت، در بهره‌مندی از مطالب و معارف آن مفید باشد.

والحمد لله رب العالمین

مرداد ماه ۱۳۹۷

ذی القعد الحرام سال ۱۴۳۹ هجری

سمیه خلیلی آشتیانی

اسناد حدیث

چنان‌که در مقدمه گفته شد، به غیر از ائمه علیهم‌السلام، شش تن از صحابه و دوازده تن از تابعان، حدیث «باب مدینه‌العلم» را روایت کرده‌اند. در پی ایشان، صد و پنجاه و یک نفر از حافظان و محدثان و راویان اهل سنت در کتابهای خود این حدیث را نقل کرده‌اند؛ در اینجا به نام برخی راویان که تقدّم و شهرت بیشتری دارند، اشاره خواهیم کرد.

الف - صحابه:

امام علی علیه‌السلام

امام حسن مجتبی علیه‌السلام

امام حسین علیه‌السلام^۱

۱. مبنای میرحامد حسین در عبقات الانوار، استناد به منابع اهل سنت

عبدالله بن عباس
جا بر بن عبدالله انصاری
عبدالله بن مسعود
حذیفه بن یمان
عبدالله بن عمر
انس بن مالک
عمرو بن عاص

ب - تابعان:

امام زین العابدین علیه السلام
امام باقر علیه السلام
أصیح بن نباته
جریر ضبی
حارث بن عبدالله همدانی
سعد بن طریف حنظلی

است. در نظر آنها، اعتبار این سه امام، در حدّ صحابی بودن است، چنان‌که به امام سجاد و امام باقر علیهما السلام در حدّ تابعی بودن باید استناد کرد. لذا نام این امامان معصوم در کنار نامهایی یاد می‌شود که شاید برای برخی از خوانندگان گرامی سؤال برانگیز و گاه، غیر قابل تحمل باشد. باید به این نکته مهم در سراسر کتاب عیقات الانوار دقت کرد که هرگز عقیده دانشور بزرگ امامیه، مرحوم علامه میرحامد حسین، این نیست که نامهای امامان معصوم را در کنار برخی نامهای دیگر یاد کند، بلکه محذور احتجاج، او را به این کار واداشته است.

سعید بن جبیر اسدی کوفی
 سلمة بن كهیل حضر می
 سلیمان بن مهران کوفی
 عاصم بن ضمیر
 عبدالله بن عثمان بن خثیم قاری
 عبدالرحمن بن عثمان
 عبدالرحمن بن عسیله مرادی
 مجاهد بن جبر مخزومی کوفی

ج - حافظان و محدثان

نام راوی	قرن
ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱هـ) ابوبکر عبدالرزاق بن همام صنعانی (م ۲۱۱هـ) احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ) احمد بن حنبل شیبانی (م ۲۴۱هـ) محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹هـ) محمد بن عیسی ترمذی (م ۲۷۹هـ) ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق (بزار) (م ۲۹۲هـ)	سوم
محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰هـ) محمد بن جریر طبری (م ۳۱۰هـ) ابوالعباس محمد بن یعقوب أموی أصم (م ۳۵۶هـ) ابوالعباس محمد بن یعقوب أموی أصم (م ۳۵۶هـ) ابوبکر محمد بن عمر تمیمی بغدادی (جعابی) (م ۳۵۵هـ)	چهارم

ابوبکر محمد بن عمر تمیمی بغدادی (جغابی) (م ۳۵۵ هـ) سلیمان بن احمد طبرانی (م ۳۶۰ هـ)	
محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) محمد بن عبدالله حاکم نیشابوری (م ۴۰۵ هـ) أبونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) أبونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی (م ۴۳۰ هـ) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ) ابوبکر احمد بن علی بن ثابت، خطیب بغدادی (م ۴۶۳ هـ) ابوالحسن علی بن محمد مغازلی (م ۴۸۳ هـ)	پنجم
ابوشجاع شیرویه بن شهر دار دیلمی (م ۵۰۹ هـ) ابوشجاع شیرویه بن شهر دار دیلمی (م ۵۰۹ هـ) ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ) ابوالمؤید موفق بن احمد مکی، خطیب خوارزمی (م ۵۶۸ هـ) ابوالقاسم علی بن حسن بن عساکر دمشقی (م ۵۷۱ هـ)	ششم
علی بن محمد بن اثیرجری (م ۶۳۰ هـ) علی بن محمد بن اثیرجری (م ۶۳۰ هـ) ابوالمظفر، یوسف بن قیز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ) ابوالمظفر، یوسف بن قیز اوغلی، سبط ابن جوزی (م ۶۵۴ هـ) محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ) محمد بن یوسف گنجی شافعی (م ۶۵۸ هـ) محب الدین، احمد بن عبدالله طبری (م ۶۹۴ هـ)	هفتم
ابراهیم بن محمد بن مؤید (م ۷۲۲ هـ)	هشتم
شهاب الدین احمد بن علی بن محمد ابن حجر عسقلانی (م ۸۵۲ هـ)	نهم
جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ هـ)	دهم

اسناد حدیث

جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی (م ۹۱۱ھ) شہاب الدین احمد بن محمد قسطلانی (م ۹۳۲ھ) شہاب الدین احمد بن محمد قسطلانی (م ۹۳۲ھ) شہاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ھ) شہاب الدین احمد بن محمد بن حجر مکی (م ۹۷۳ھ) علی بن حسام الدین متقی (م ۹۷۵ھ)	
---	--

بخش ۲

متن حدیث

این بخش به نقل‌های متفاوت از حدیث «أنا مدينة العلم» اختصاص یافته است. این حدیث با چهار نقل، در کتاب عبقات، از راویان متعدد، روایت شده، و روایات هم‌مضمون، در قالب یک نقل سازمان‌دهی شده است. البته روایات نقل شده در اصل کتاب عبقات، به این تعداد خلاصه نمی‌شود، بلکه علامه میر حامد حسین، از تمام صد و پنجاه و یک راوی آن، این روایت را آورده است. اما نقل راویان متأخر، تکرار و نقل روایت از راویان متقدم است، از این رو به نقل روایت از متقدمان اکتفا شده است.

نقل اول:

در این نقل، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، حضرت علی عَلِيٌّ رَضِيَ اللهُ عَنْهُ را به عنوان

باب شهر علم خویش معرفی کرده‌اند و راویان حدیث، شرایط صدور حدیث و حالت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هنگام نقل آن را بیان نکرده‌اند.

۱. روایت حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام

حضرت امام رضا عَلَيْهِ السَّلَام حدیث «أنا مدينة العلم» را در صحیفه مبارکه‌شان از پدران معصوم خویش، چنین روایت کرده‌اند، و با اسنادش از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ روایت فرمود:

قاتل حسین در تابوتی از آتش است و نیمی از عذاب مردم دنیا بر اوست. دست‌ها و پاهایش با زنجیرهای آتشین بسته شده تا به قعر دوزخ فروافتند. بویی دارد که دوزخیان از شدت تعفن آن به پروردگارشان پناه می‌برند. جاودانه عذاب دردآور را خواهد چشید؛ [عذابی که در آن] هرگاه پوست‌هایشان پخته شود، خداوند پوست‌های دیگری برایشان جایگزین می‌کند؛ [عذابی که] لحظه‌ای از آنان بریده نگردد و از آب جوشان جهنم نوشانده می‌شوند، پس [چاه] ویل یکی از عذاب‌های خداوند عزوجل است.»

رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ در ادامه فرمود:

«من شهر دانش‌ام و علی در آن است؛ هر کس دانش خواهد، باید از آن در آید.»

و با اسنادش از رسول خدا چنین روایت فرموده: «وقتی روز قیامت فرامی‌رسد، از درون عرش ندا داده می‌شوم: نیکو پدری

است، پدرت ابراهیم. نیکو برادری است، برادرت علی بن ابی طالب.»

روایت عبدالرزاق

وی با سندی از جابرین عبدالله روایت می‌کند که گفت: شنیدم رسول خدا فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است؛ هر کس دانش خواهد، باید از آن در، درآید.»^۱

روایت احمد بن حنبل

او از طرق متعدد حدیث را روایت کرده است. سبط ابن جوزی گوید: «احمد در «الفضائل» با سندی از علی عَلِيٍّ روایت می‌کند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «أنا مدينة العلم و عليّ بابها.»^۲

روایت أصم

وی با سندی از ابن عباس روایت می‌کند که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «منم شهر دانش و علی در آن است؛ هر که آن شهر را خواهد، از آن در، درآید.»^۳

۱. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۷.
۲. سبط ابن جوزی، تذکرة خواص الأمة، ص ۴۷؛ سمهودی، جواهر العقدين، خطی.
۳. حاکم نیشابوری، المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۲۶.

روایت ابوبکر بن جعابی

ابن شهر آشوب از وی روایت می‌کند: اجماع است که پیامبر ﷺ فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است، هر که دانش را خواهد، باید نزد آن در بیاید.»^۱

روایت طبرانی

او با سندی از ابن عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است، هر که دانش را خواهد، نزد در آن آید.»^۲

روایت خطیب بغدادی

او به دو طریق با اختلاف جزئی در نقل، روایت «مدینة العلم» را ذکر کرده است: با سندی از عاصم بن ضمراز علی رضی الله عنه روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند من و علی را از یک درخت آفرید، من ریشه و علی شاخه آن و حسن و حسین میوه‌اش و شیعیان برگ‌هایش هستند. آیا از پاکیزه جز پاکیزه بیرون آید؟ و من شهر دانشم و علی در آن است. پس هر که آن شهر را خواهد، باید نزد آن در بیاید.»^۳

۱. ابن شهر آشوب مازندرانی، مناقب آل ابی طالب، ج ۲، ص ۳۴.

۲. طبرانی، المعجم الکبیر، خطی.

۳. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۴۹.

با سندی از ابن عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: من شهر دانشم و علی در آن است، پس هر که دانش را خواهد، باید نزد آن در بیاید.^۱

روایت گنجی شافعی

وی با سندی از عاصم بن ضمراز علی عَلِيٍّ روایت می کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «خداوند من و علی را از درختی آفرید که من ریشه اش هستم و علی شاخه اش و حسن و حسین میوه اش و شیعیان برگ هایش هستند. پس آیا از پاکیزه جز پاکیزه بیرون می آید؟ من شهر دانشم و علی در آن است؛ پس هر که آن شهر را خواهد، باید نزد آن در بیاید.»^۲

نقل دوم:

در این نقل از روایت، پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پس از توصیف حضرت علی عَلِيٍّ به باب شهر علم خویش، می فرماید: هر که پندارد جز از در شهر می تواند به شهر راه یابد، دروغ گفته است. در حقیقت در این نقل از روایت، پیامبر تصریح کرده اند که هر فرد دیگری را راههای خود در مسیر رسیدن به حقیقت شریعت برگزینید، اشتباه و خطا است.

۱. همان.

۲. گنجی شافعی، کفایة الطالب فی مناقب علی بن ابی طالب، ص ۲۲۰.

روایت حضرت امام رضا علیه السلام

ایشان از پدرانشان از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت می‌کند که فرمود:

«ای علی! منم شهر دانش و تویی در آن. دروغ گوید هر که پندارد جز از پیش در به شهر می‌رسد.»^۱

روایت ابن‌شاذان سکری حربی

با سندی از اصبع بن نباته از علی بن ابی طالب علیه السلام که گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است. ای علی! دروغ گوید هر کسی ادعا کند از غیر در وارد این شهر می‌شود.»^۲

نقل سوم:

در این نقل، راوی یا راویان، به شرایط صدور حدیث و حالت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم را در هنگام نقل این روایت نیز یاد کرده‌اند. وجه مشترک این نقل چنین است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم در هنگام معرفی علی علیه السلام به عنوان باب مدینه علم نبوی، بازوی ایشان را گرفته است. برخی با اشاره به این حالت پیامبر، زمان بیان آن را روز خدیجه گفته‌اند.

۱. ابن‌مغازلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۸۵.

۲. بنگرید: ابن‌شاذان سکری، الأمالی.

روایت ابن سقا

ابن مغزلی از او روایت می‌کند که گفت: «جابر بن عبدالله نقل کرده است که گفت: پیامبر، بازوی علی را گرفت و فرمود: «این امیر نیکوکاران و قاتل کافران است. هر که او را یاری دهد، یاری می‌شود. اما بی‌یاور است هر کس او را بی‌یاور نهد.» سپس صدایش را بلند کرده فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است. هر کس دانش را خواهد، نزد آن در، بیاید.»^۱

روایت خطیب بغدادی

وی با سندی از جابر بن عبدالله نقل می‌کند که گفت: «از رسول خدا ﷺ در روز حدیبیه - در حالی که دست علی را گرفته بود - شنیدم: «این امیر نیکوکاران و قاتل بدکاران است، پیروز است هر که او را یاری کند، سرشکسته است هر کسی او را یاری نکند و واگذارد. آنگاه صدایشان را بلند کرده فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است، پس هر که دانش را خواهد، باید نزد آن در، بیاید.»^۲

روایت ابن مغزلی

او با سندی از جابر بن عبدالله روایت کرده است که گفت: پیامبر ﷺ بازوی علی را گرفتند و فرمود: «این امیر

۱. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۸۰.

۲. خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۲، ص ۳۷۷.

نیکوکاران و قاتل کافران است، هرکس او را یاری کند، یاری می‌شود. هرکس او را یاری نکند، یاری نمی‌شود.» سپس صدایش را بلند فرمود: من شهر دانشم و علی در آن است، پس هرکس دانش را خواهد، باید نزد آن در، بیاید.^۱

روایت ابن عساکر

او با سندی از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که گفت: شنیدم رسول خدا ﷺ در روز حدیبیه فرمود: - در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته بود - این امیر نیکوکاران و قاتل گناه کاران است؛ یاری شود هر که او را یاری کند، و بی‌یاور ماند هر که او را یاری نکند. سپس صدایش را بلند کرده، فرمود: من شهر دانشم و علی در آن است، هرکس دانش را خواهد، باید نزد آن در بیاید.^۲

روایت گنجی شافعی

او با سندی از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که شنیدم رسول خدا ﷺ در روز حدیبیه، در حالی که بازوی علی بن ابی طالب را گرفته بود، می‌فرمود: «این امیر نیکوکاران و قاتل گناه کاران است، هرکس او را یاری کند، یاری شود و بی‌یاور است هر کسی او را یاری نکند.» سپس صدایش را بلندتر کرد و فرمود:

۱. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۸۳.

۲. به نقل از گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۲۰.

«من شهر دانشم و علی در آن است، هرکس آن شهر را خواهد باید نزد آن در بیاید. (پس از درش، درآید).»^۱

نقل چهارم:

این نقل، تکرار روایت پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ توسط صحابه و حتی مخالفان امام علی عَلَيْهِ السَّلَام در کنار دیگر فضائل ایشان است.

روایت ابواللیث

او چنین روایت می‌کند: «از قیس بن ابی حازم نقل شده که گفت: شخصی نزد معاویه آمد و مسأله‌ای از او پرسید. گفت: آن را از علی بن ابی طالب بپرس که او به آن داناتر است. آن مرد گفت: سخن تو برایم دل‌پذیرتر از سخن علی است. معاویه گفت: بسیار بدگفتی و کار ناشایستی کردی، مردی را خوش نمی‌داری که رسول خدا او را برای دانش به شوق می‌آورد. پیامبر می‌فرمود: یا علی تو نزد من، مانند هارون نزد موسی هستی؛ مگر اینکه پس از من پیامبری نیست. عمر بن خطاب نیز همواره از او می‌پرسید و بر می‌گرفت. من خودم دیدم که هرگاه مطلبی بر عمر بن خطاب مشکل می‌شد، می‌گفت: علی بن ابی طالب آن جاست. سپس معاویه به آن مرد گفت: برخیز که خداوند پاهایت را بر پا ندارد، و نامش را از دیوان حذف کرد. نیز روایت شده که سؤال کننده‌ای از عایشه درباره مسح بر کفش پرسید.

۱. گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۲۱.

گفت: درباره آن از علی بن ابی طالب پرسید؛ او به سنت دانایان است. و پیامبر فرمود: «أنا مدینه العلم و علی بابها»^۱

روایت خوارزمی

او در فصل شانزدهم از کتاب مناقب خود روایت کرده است که امیرالمؤمنین علیه السلام پیش از حرکت به سوی صفین، پیک‌های خود و دیگرانی را نزد معاویه فرستاد، و چندین نامه برایش نوشت، پیشینه‌اش در اسلام را به او یادآوری کرد و به بیعت مردم مکه و مدینه با او احتجاج کرد، تا میان مردم عراق و شام جنگ نشود؛ این در حالی بود که معاویه خون عثمان را بهانه کرده بود، به این ترتیب نادانان اهل شام و فرومایگان بادیه‌نشین را فریب می‌داد و دنیاپرستان و ریاست‌طلبان را با نرمی و ملاحظت به سوی خود می‌کشید. او با مشورت دیگران برای پایان پذیرفتن ماجرای صفین با نامه‌ای، از عمرو عاص طلب یاری کرد، اما از الفاظ خوبی برای توصیف علی علیه السلام استفاده نکرد؛ عمرو عاص در پاسخ نامه او چنین نوشت:

«اما نسبت‌هایی که به ابوالحسن، برادر رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و وصی او دادی، مانند حسادت و دشمنی با عثمان، و این که یاران پیامبر را فاسقان نامیدی و گمان بردی که او آنان را برکشتنش تحریک نموده، این فریب‌کاری است.

۱. ابواللیث سمرقندی، المجالس، خطی.

وای بر تو معاویه! آیا ندانسته‌ای که ابوالحسن، در برابر رسول خدا جان فشانی کرد و در بستر او خوابید؟ و در اسلام و هجرت بر همگان پیشی گرفت؟ و پیامبر خدا درباره‌اش فرمود: «او از من است و من از اویم، و نسبت به من مانند جایگاه هارون نزد موسی است، جز اینکه بعد از من پیامبری نیست.» و رسول خدا در روز غدیر خم درباره‌اش فرمود: «بدانید هر که من مولای او هستم، علی مولای اوست، خدایا دوستی کن با هر که با او دوستی کرد و دشمن باش با هر کس که با او دشمن است، و یاری کن هر کس یاری‌اش کرد و خوار کن هر کس او را یاری نکرد.».... نیز فرمود: «من در میان شما دو یادگار گران سنگ به جا می‌گذارم، کتاب خداوند عزوجل و خاندانم را» و فرمود: «أنا مدینة العلم و علی بابها»^۱....

۱. خوارزمی، مناقب، ص ۱۲۸.

بخش ۳

شواهد و مؤیدات حدیث «مدینه‌العلم»

در این بخش، علامه میرحامد حسین، بیست و دو روایت را به عنوان شاهد و مؤید حدیث «أنا مدینه‌العلم» ذکر می‌کند. هرکدام از این روایات را تعدادی از راویان و محدثان اهل سنت روایت کرده‌اند. این روایات هرکدام به صورتی مضمون و محتوای حدیث «أنا مدینه‌العلم» را تکرار و تأیید می‌کند. میرحامد حسین بدین سان بر این حدیث مؤید معنوی آورده و آن را از طرق دیگر نیز تقویت می‌کند. برای رعایت اختصار، تعدادی از این روایات را که مناسبت بیشتری با حدیث «أنا مدینه‌العلم» دارد، ذکر می‌کنیم.

«أنا دارُالحکمة و علی بابُها»

این روایت را پنجاه و نه نفر از راویان و محدثان اهل سنت

روایت کرده‌اند که به روایت تعدادی از راویان متقدم از این حدیث اکتفا می‌شود.^۱

روایت احمد بن حنبل

او چنین روایت کرده است که از علی عَلِيٍّ از رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ نقل شده است: «من خانة حکمت و علی در آن است.»^۲

روایت ترمذی

وی این چنین، روایت کرده است: «از علی نقل شده که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من خانة حکمت و علی در آن است.»^۳

«أنا مدينةُ الحكمة و علی بابها»

این حدیث را دوازده نفر از راویان و محدثان اهل سنت روایت کرده‌اند؛^۴ در اینجا به روایت دو تن از ایشان اکتفا

۱. منابع دیگری که این روایت را نقل کرده‌اند: ابونعیم اصفهانی، حلیه الاولیاء، ج ۱، ص ۶۴؛ دیلمی، فردوس الأخبار، خطی؛ سبط ابن جوزی، تذکرة خواص الأمة، ص ۴۸؛ گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۱۱۸ - ۱۱۹.

۲. بنگرید: ابن‌عبد‌العلی قرشی، تفریح الأحاب، ص ۳۵۰.

۳. به نقل از طبری، محب‌الدین، ذخائرالعقبی، ص ۷۷.

۴. منابع دیگری که این روایت را نقل کرده‌اند: خطیب بغدادی، تاریخ بغداد، ج ۱۱، ص ۲۰۴؛ شهاب‌الدین احمد شافعی، توضیح الدلائل، خطی؛ مناوی، فیض‌القدر، ج ۳، ص ۴۶.

می‌کنیم.

روایت خطیب بغدادی

او با سندی از ابن عباس روایت کرده است که گفت: پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من شهر حکمت و علی دَرِ آن است، پس هر که حکمت را خواهد، باید نزد آن دَرِ بیاید.»^۱

روایت سیوطی

او با سندی از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من شهر حکمت و علی دَرِ آن است، هر که شهر را خواهد باید نزد دَرِ آن بیاید.»^۲

«أنا دارُ العلمِ و علی بابُها»

این روایت را شش تن از راویان اهل سنت نقل یا تأیید کرده‌اند. که به نقل دو تن از این راویان اکتفا می‌کنیم.

روایت محب طبری

وی در کتاب ذخائر العقبی گوید: «ذکر شده است که او، در خانه دانش و باب مدینه العلم است. از علی عَلِيٌّ نقل شده که گفت: رسول خدا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من خانه دانشم و علی دَرِ آن

۱. ابونعیم اصفهانی، حلیة الاولیاء، ج ۱، ص ۶۱.

۲. سیوطی، اللآلی المصنوعة، ج ۱، ص ۳۳۵.

است.»^۱

روایت قاری

علی قاری گوید: «از علی ع نقل شده که گفت: رسول خدا ص فرمود: من خانه حکتم. - و در روایتی است: من شهر دانشم. و در روایت کتاب مصابیح آمده است: من خانه دانشم - و علی در آن است. و در روایتی این عبارت افزوده شده است: هر که دانش را خواهد، باید از آن بدان وارد شود»^۲

«فَهُوَ بَابُ مَدِينَةِ عِلْمِي» یا «فَهُوَ بَابُ عِلْمِي»

پیامبر اکرم ص این سخن را در حدیث معراج فرمود، از راویان اهل سنت، سه تن به نقل این روایت پرداخته‌اند.^۳

روایت ابن مغازلی

وی با سندی از ابن عباس این چنین روایت می‌کند: پیامبر اکرم ص فرمود: «جبرئیل فرشی از فرش‌های محملی بهشت را برایم آورد که بر آن نشستم. هنگامی که در محضر پروردگار قرار گرفتم، او با من سخن گفت و نجوا کرد. آنگاه هیچ چیز به من نیاموخت جز اینکه به علی هم آموخت، پس او باب مدینه العلم من است.» سپس پیامبر او را نزد خود خواندند و به او فرمود:

۱. محب طبری، ذخائر العقبی، ص ۷۷.

۲. قاری، المرقاة فی شرح المشکاة، ج ۵، ص ۵۷۱.

۳. قندوزی، ینابیع المودة، ص ۶۹ به نقل از خطیب خوارزمی.

«ای علی! صلح با تو صلح با من است، و جنگ با تو، جنگ با من است، و پس از من میان من و امتّم عَلَم تویی.»^۱

«علی منّی و أنا من علی، فهو بابّ علمی و وصیّی»

روایت قندوزی

او با سندی از عکرمه از ابن عباس روایت کرده است که پیامبر اکرم ﷺ به عبدالرحمن بن عوف فرمود: «ای عبدالرحمن! شما یاران من هستید، ولی علی بن ابی طالب برادرم و از من است و من از علی هستم، او در دانش و وصی من است. و او و فاطمه و حسن و حسین، از نظر تبار و شرافت و بخشندگی، بهترین مردم زمین اند.»^۲

«علی بابّ علمی و مبینّ لأمتی ما أرسلت به»

سیزده راوی از راویان اهل سنت این حدیث را نقل کرده اند^۳ که به نقل دو تن از ایشان اکتفا می کنیم.

۱. ابن مغزلی، مناقب علی بن ابی طالب، ص ۵۰.

۲. قندوزی، ینایع المودة، ص ۲۶۳.

۳. منابع دیگری که این روایت را نقل کرده اند: شیرویه دیلمی، المودة فی القربی؛ وصابی، الاکتفاء فی مناقب الخلفاء، خطی؛ عجیلی، مرآة المؤمنین، خطی.

روایت سیوطی

او با سندی از ابوذر چنین روایت کرده است که رسول خدا ﷺ فرمود: علی رضی الله عنه در دانش من است، و پس از من آنچه را که برای آن فرستاده شدم، برای امتم تبیین می‌کند. دوست داشتن او ایمان، و دشمنی با او نفاق و نگاه کردن به او رأفت است.^۱

روایت متقی هندی

به روایت او، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «علی در دانش من است، و پس از من آنچه را که برای آن فرستاده شدم، برای امتم تبیین می‌کند. دوست داشتن او ایمان، و دشمنی با او نفاق و نگاه کردن به او رأفت است.»^۲

«و أنت باب علمی»

این روایت در حقیقت عبارتی از حدیثی طولانی است که در آن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در روز خیبر، برخی فضایل حضرت علی رضی الله عنه را بر شمرده‌اند. این روایت را نه تن از راویان اهل سنت^۳

۱. سیوطی، اللالی المصنوعة، ج ۱، ص ۳۳۵.

۲. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۲، ص ۲۱۲.

۳. منابع دیگری که این روایت را نقل کرده‌اند: گنجی شافعی، کفایة الطالب، ص ۲۶۴؛ شهاب‌الدین احمد شافعی، توضیح الدلائل، خطی؛ قندوزی، ینابیع المودة، ص ۶۳.

روایت کرده‌اند.

روایت خوارزمی

او با سندی از زید بن علی از پدرانش از علی بن ابی طالب ع روایت می‌کند که پیامبر روز جنگ خیبر فرمود: «اگر گروهی از امت درباره تو سخنی ناروایی گفتند که مسیحیان درباره عیسی بن مریم گفتند، امروز سخنی درباره‌ات می‌گفتم که بر هیچ گروهی از مسلمانان نمی‌گذشتی، مگر اینکه از خاک نعلین تو و از اضافه آب وضویت برای شفا بردارند.

ولی تو را بسنده است که از من باشی و من از تو باشم، از من ارث بری و من از تو ارث برم. و تو نسبت به من به منزله هارون نسبت به موسی باشی، مگر اینکه بعد از من پیامبری نیست. تو دین مرا ادا می‌کنی و بر سنت من می‌جنگی، و در آخرت تو نزدیک‌ترین مردم به من هستی، و فردا بر حوض جانشین من تویی، ... نهان تو، نهان من است و آشکارای تو، آشکارای من، و راز پنهان سینه‌ات مانند راز پنهان سینه من است و تو در دانش من هستی...»^۱

«و هُم أَبْوَابُ الْعِلْمِ فِي أُمَّتِي»

این روایت را علامه میرحامد حسین تنها از قندوزی روایت کرده است.

۱. بنگرید: خطیب خوارزمی، مناقب امیرالمؤمنین.

روایت فندوزی

وی با سندی از جابر بن عبدالله روایت می‌کند که رسول خدا ﷺ فرمود: «خداوند تبارک و تعالی مرا برگزید و انتخاب فرمود و پیامبر قرار داد و سرور کتاب‌ها را بر من فرو فرستاد. عرضه داشتم: پروردگارم و سرور من! تو موسی را به سوی فرعون فرستادی، او از تو خواست که برادرش هارون را وزیری قرار دهی که بازویش را به او محکم کند، و به وسیله او سخنش مورد تصدیق قرار گیرد.

اینک من ای سرور و مولایم، از تو تقاضا می‌کنم که از خانواده‌ام وزیری برایم قرار دهی، که به او بازویم را محکم سازی، پس علی را برایم وزیر و برادر قرار ده، شجاعت را در قلبش قرار ده، و هیبت بر دشمنش را بر او بپوشان که او نخستین کسی است که به من ایمان آورد و مرا تصدیق کرد، و نخستین کسی است که با من خداوند را یگانه دانسته و من آن را از پروردگارم عزوجل تقاضا کردم، پس آن را به من عطا فرمود.

و او سرور جانشینان است، پیوستن به او سعادت، و مرگ در اطاعتش شهادت است، و نامش در تورات پیوسته با نام من است، و همسرش صدیقه کبری دختر من است و دو پسر او سرور جوانان اهل بهشت، دو پسر من هستند.

او و پسرانش و ائمه پس از آنان، پس از پیامبران حجّت‌های خدایند بر بندگانش، آنان درهای دانش در امتّ هستند. هر کس

از آنان پیروی کند، نجات یابد، و هر که به آنان اقتدا کند، به راه مستقیم هدایت شود. خداوند محبت آنان را به بنده‌ای نمی بخشد، جز اینکه او را وارد بهشت نماید.»^۱

۱. قندوزی، ینابیع المودة، ص ۶۲.

دلالت حدیث «أنا مدينة العلم و علیُّ بابُها»

دلالت بر اعلمیت

حدیث «مدینه العلم و علی بابها»، بر اعلمیت امیرالمؤمنین علیه السلام دلالت دارد و لازمه اعلمیت، افضلیت است. و شکی نیست که استحقاق و تعیین امامت برای افضل، بیشتر از دیگران است. این حدیث دلالت بر اعلمیت حضرتش دارد، چون او باب مدینه العلم است؛ چراکه اگر دیگری از او داناتر بود، کاستی در آن باب به وجود می آمد و کاستی در آن، باعث کاستی و کمبود در مدینه می شود و این چیزی است که هیچ مسلمانی جرأت گفتن و هیچ مؤمنی جرأت تخیل آن را ندارد....

همچنین حدیث صراحت دارد که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم، «مدینه

«العلم» و امیرالمؤمنین علیه السلام باب آن مدینه است. عقل سالم حکم می‌کند که کسی نمی‌تواند باب مدینه العلم باشد جز اینکه به تمام دانش‌های آن احاطه کامل داشته باشد... یعنی علی علیه السلام از تمام آفریدگان اعلم است، چه رسد به دیگر اصحاب، چون رسول خدا بنابر اجماع، از تمام پیامبران و فرستادگان و فرشتگان مقرب، افضل و کامل تر بود....

دلالت بر اینکه امام واسطه دانش‌هاست.

حدیث «مدینه العلم» دلالت دارد که بر امت واجب است دانش‌ها را از رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به واسطه امیرالمؤمنین علیه السلام استمداد کند. این شرافتی است که هر شرافتی دیگری در برابرش تاب نمی‌آورد و فضیلتی است که بالاتر از آن نیست و مرتبتی است که افضلیت را اثبات می‌کند، چه رسد به دیگر دلیل‌ها... از اینجا نیز خلافت امیرالمؤمنین علیه السلام بدون هر سخنی، اثبات می‌شود.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم با این توصیف، علی علیه السلام را باب شریف‌ترین کمال در جهان قرار داد که دانش است و آن دانش را هر کسی که خواهان است با استمداد از او دریافت می‌کند، بلکه او باب شریف‌ترین دانش‌هاست یعنی دانش‌های نبوی، آن هم دانش جامع‌ترین آفریده خداوند که سرور فرستادگان اوست؛ و هیچ شرافتی به این شرافت نمی‌رسد و گذشتگان و آیندگان در برابرش سر تعظیم فرود می‌آورند. همان‌طور که باب مدینه العلم

را ویژه او قرار داد، از او کمالات و دانش‌هایی تراوید که صفحات تاریخ آکنده از آن است.

دلالت حدیث بر اینکه امام نگهبان دانش است.

حدیث «مدینه العلم» دلالت دارد بر اینکه امیرالمؤمنین علیه السلام نگهبان دانش‌های رسول خدا است. همین نکته به تنهایی برتری ایشان نسبت به دیگر اصحاب را نشان می‌دهد.

میر حامد حسین در ادامه این دلالت، به سخن کمال الدین بن طلحه استناد کرده که در شرح این حدیث چنین گفته است: «...در آن گفتار پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اشاره است به اینکه جایگاه علی علیه السلام نسبت به دانش و حکمت، به منزله جایگاه در نسبت به شهر، و در نسبت به خانه است؛ چون در، از آنچه در شهر و درون خانه است، در برابر تجاوز یغماگران محافظت می‌کند. پس معنی حدیث چنین است که علی علیه السلام نگهبان دانش و حکمت است، بنابراین دانش از بین نمی‌رود و نگرانی و ترسی برای از دست دادنش نیست. پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم، علی علیه السلام را به نگهبان دانش و حکمت توصیف کرد و این نشان دهنده بزرگی او در مقام، دانش و فضیلت است.»^۱

۱. نصیبی شافعی، محمد بن طلحه، مطالب السؤل فی مناقب آل الرسول، ص ۶۲ - ۶۱.

دلالت حدیث بر وجوب مراجعه به امیرالمؤمنین علیه السلام

حدیث «مدینه العلم» بر وجوب مراجعه امت به امیرالمؤمنین علیه السلام برای دریافت دانش از او دلالت دارد. از این رو در ضمن آن، حضرت رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: «فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ، فَلْيَأْتِ الْبَابَ» و فرمود: «مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يَصِلُ إِلَى الْمَدِينَةِ إِلَّا مِنَ الْبَابِ»، و خداوند را سپاس که این خود دلیل دیگری برای اثبات خواسته ماست.

علامه ابن شهر آشوب پس از نقل حدیث از طریق مخالفان گوید: «این حدیث، مراجعه به امیرالمؤمنین علیه السلام را اقتضا می‌کند؛ چون پیامبر خود را با کنایه، «شهر» نامید و خبر داد که رسیدن به دانشش تنها از سوی علی علیه السلام است؛ چون او را مانند «در شهر» قرار داد که جز از در، وارد شهر نمی‌توان شد. سپس این امر را به این کلام خود واجب دانست: «فلیأت الباب». و در این امر، دلیلی بر عصمت اوست؛ چون اگر کسی معصوم نباشد، سرزدن قبیح از او امکان‌پذیر می‌شود و اگر چنین اتفاق افتاد، پیروی از او زشت است، پس به آنجا می‌رسد که ایشان فرمان به کاری زشت دهد که این نسبت به پیامبر، جایز نیست.

همچنین می‌رساند که او داناترین امت است. دلالت دارد، رجوع مکرر خلفا و امت به او، این مطلب را تأیید می‌کند. اختلاف امت را دانستیم و رجوع بعضی به بعضی دیگر و بی‌نیازی ایشان از این گونه مراجعات را نیز دیدیم. پیامبر

اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ولایت و امامت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ را آشکار فرمود. روشن است که فراگیری دانش و حکمت در زمان حیات و پس از ممات او، جز از او و از روایت او صحیح نیست همان‌گونه که خداوند متعال فرمود:

﴿وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَ لَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأَتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾^{۲۱}

دلالت حدیث بر خاتم الاولیاء بودن حضرت علی عَلَيْهِ السَّلَامُ

علامه میرحامد حسین، در این وجه از دلالت حدیث «مدینه‌العلم» به سخن یکی از اهل سنت در شرح حدیث استناد کرده است. وی در شرح نکات این حدیث این چنین گفته است: «... پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فرمود: «من شهر دانشم و علی در آن است و به شهرها جز از در وارد نمی‌شوند». این کلام ناظر است به کلام خداوند متعال که فرموده است: ﴿وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا﴾. و این قوی‌ترین گواه بر صحت روایتی است که حاکم نیشابوری آن را صحیح دانسته است: «هر کس دانش را خواهد، باید به در آن در آید». این جایگاه خاتم الاولیاء بودن امام علی عَلَيْهِ السَّلَامُ است که هر ولی بعد از او، به او باز می‌گردد و از او

۱. بقره، ۱۸۹.

۲. ابن شهر آشوب، مناقب آل ابی‌طالب، ج ۲، ص ۳۴.

برمی گیرد.»^۱

۱. حسن زمان حیدرآبادی، القول المستحسن فی فخر الحسن،
ص ۱۸۴.

منابع

- ١ - ابن شعبه حرّانى، حسن بن على، تحف العقول، تصحيح: على اكبر غفارى، قم، جامعة مدرسين، ١٤٠٤ ق.
- ٢ - ابن شهر آشوب مازندراني، محمد بن على، مناقب آل ابى طالب عليه السلام، قم، علامه، ١٣٧٩ ق.
- ٣ - ابن اثير جزرى، على بن محمد، أسد الغابة فى معرفة الصحابة، تحقيق: محمد ابراهيم بناء، بيروت، دار احياء التراث العربى، ١٩٩٥ م ١٤١٥ ق.
- ٤ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، الأمالى، تهران، كتابچى، ١٣٧٦ ش.
- ٥ - ابن بابويه (شيخ صدوق)، محمد بن على، التوحيد، تصحيح: هاشم حسيني، قم، جامعه مدرسين، ١٣٩٨ ق.
- ٦ - ابن بطريق، يحيى بن حسن، عمدة عيون صحاح الأخبار فى مناقب امام الأبرار، قم، جامعة مدرسين حوزه علميه قم، ١٤٠٧ ق.

- ٧ - ابن عساكر، على بن حسن، تاريخ مدينة دمشق، تحقيق: محب الدين ابى سعيد عمر بن غرامة عمري، بيروت، دارالفكر، ١٩٩٥م / ١٤١٥ ق.
- ٨ - ابن عقده كوفى، احمد بن محمد، فضائل أمير المؤمنين عليه السلام، تصحيح و تحقيق: حرز الدين عبدالرزاق محمد حسين، قم، دليل ما، ١٤٢٤ ق.
- ٩ - ابن مغازلى، مناقب الامام على بن ابي طالب، مشهد، رستگار، ١٣٨٧ ش.
- ١٠ - ابو يعلى موصلى، احمد بن على، مسند أبى يعلى، تحقيق: حسن سليم اسد، دمشق، دارالمأمون للتراث، ١٩٨٤ م.
- ١١ - اربلى، على بن ابى الفتح، كشف الغمّة فى معرفة الائمة، تصحيح: سيد هاشم رسولى محلاتى، بنى هاشمى، تبريز، ١٣٨١ ق.
- ١٢ - اصفهانى، ابونعيم، حلية الاولياء و طبقات الأصفياء، تصحيح: كمال يوسف حوت، قاهره، ام دارالقرى، بى تا.
- ١٣ - ترمذى، محمد بن عيسى، الجامع الكبير (سنن)، تحقيق: احمد محمد شاكر، قاهرة، دارالحديث، ١٤١٩ ق.
- ١٤ - حاكم نيشابورى، المستدرک على الصحيحين، تحقيق: تحت اشراف عبدالرحمن مرعشلى، بى نا، بى جا، بى تا.
- ١٥ - حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، كشف اليقين فى فضائل امير المؤمنين عليه السلام، تصحيح: حسين درگاهى، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامى، ١٤١١ ق.
- ١٦ - حلى، حسن بن يوسف بن مطهر، نهج الحق و كشف الصدق، بيروت، دارالكتاب اللبنانى، ١٩٨٢ م.

- ١٧ - سبط ابن جوزى، تذكرة خواص الأئمة، قم، شريف رضى، ١٣٧٦ش.
- ١٨ - سيوطى، عبدالرحمن، اللآلى المصنوعة، بيروت، دارالكتب العلميه، بيروت، ١٤١٩ ق.
- ١٩ - شامى، يوسف بن حاتم، الدرّالنتظيم فى مناقب الأئمة الهاميم، قم، جامعه مدرسين، ١٤٢٠ ق.
- ٢٠ - طبرانى، سليمان بن أحمد، المعجم الأوسط، تحقيق طارق بن عوض الله و عبد المحسن بن ابراهيم الحسينى، القايره، ناشر دار الحرمين، ١٤١٥ ق.
- ٢١ - طبرسى، احمد بن على، الاحتجاج على أهل اللجاج، مترجم: احمد غفارى، تهران، مرتضوى، ١٣٧١ش.
- ٢٢ - طبرسى، فضل بن حسن، اعلام الورى بأعلام الهدى، تصحيح و تحقيق: مؤسسه آل البيت، قم، آل البيت، ١٤١٧ ق.
- ٢٣ - طبرى، احمد بن عبدالله، الرياض النضرة فى مناقب العشرة، بيروت، ١٤٠٥ ق / ١٩٨٤ م.
- ٢٤ - طبرى، محمد بن جرير، المسترشد فى امامة على بن ابى طالب، تصحيح: احمد محمودى، قم، كوشانيور، ١٤١٥ ق.
- ٢٥ - طوسى، محمد بن حسن، الأمالى، تحقيق و تصحيح: مؤسسه بعثت، قم، دارالثقافة، ١٤١٤ ق.
- ٢٦ - عاملى، محمد بن حسن، اثبات الهداة بالنصوص والمعجزات، بيروت، اعلمى، ١٤٢٥ ق.
- ٢٧ - عكبرى (شيخ مفيد)، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، تحقيق و تصحيح: على اكبر غفارى و همكار، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.

- ٢٨ - عكبرى (شيخ مفيد)، محمدبن محمدبن نعمان، الارشاد فى معرفه حجج الله على العباد، تحقيق و تصحيح: مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم، كنگره شيخ مفيد، ١٤١٣ ق.
- ٢٩ - على بن موسى الرضا، صحيفة الامام الرضا عليه السلام، تصحيح: محمد مهدي نجف، مشهد، كنگره جهانى امام رضا، ١٤٠٦ ق.
- ٣٠ - كنجى الشافعى، محمدبن يوسف، كفاية الطالب فى مناقب على بن أبى طالب، تصحيح: محمدهادى امينى، تهران، دار احياء تراث اهل البيت، ١٤٠٤ ق.
- ٣١ - مجلسى، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، تحقيق: محمد الباقر البهبودى، بيروت، مؤسسه الوفاء، ١٤٠٣ ق.
- ٣٢ - نصيبى شافعى، محمدبن طلحه، مطالب السؤل فى مناقب آل الرسول، تصحيح: عبدالعزيز طباطبايى، بيروت، مؤسسه البلاغ، ١٤١٩ ق.

